

سیاست صریح و روشن!

امام ضمن نامه ای توییح آمیز بفرماندار بصره (عثمان بن حنیف) گوشه‌ای از سیاست خویش را در زمامداری تشریح نموده میفرماید: بزودی پیکاری دامنه‌دار و جهادی وسیع و همه‌جانبه بر ضد معاویه این مرد واره‌نه و عنصر کج اندیش شروع می‌کنم. راستی این پیکار از نظر سیاسی صلاح امام بود؟ و آیا واقعاً امام رعایت اصول سیاستمداری را در اینجا، بود؟

* * *

در شماره پیش ضمن معرفی دو مکتب بزرگ سیاسی که اولی عقیده دارد غرض بچنگ آوردن قدرت و حکومت کردن است، بایستی کوشید و مقتدر شد و حکومت را بهر نحوی و بهر شکلی و با هر شرایطی بچنگ آورد چون مقصود اصلی همانست.

دومی همین مقصود را با ماسکی فریبنده عرضه داشته میگوید: غرض خدمت با اجتماع و ملت‌های محروم است، برای رسیدن باین مقصود و هدف، از هر گونه وسیله اعم از مشروع و نامشروع بایستی استفاده کرد چه هدف وسیله را مشروع میکند.

گفتیم: مکتب سومی وجود دارد که معتقد است: هم‌هدف باید عالی و مشروع باشد و هم وسیله و مقدمه ای که با آن می‌خواهند به‌هدف برسند. این مکتب عقیده دارد حکومتها بایستی سیاستی روشن و صریح داشته باشند آنهم متکی باصولی آسمانی و عقاید الهی که از نیروی ایمان و اخلاص سرچشمه گرفته باشد تا بتواند اعتماد و اطمنان مردم را جلب کند.

این مکتب عقیده دارد: افراد اجتماع همه و همه باید وظائف خود را خوب انجام دهند بهم ظلم و ستم نکنند و از ظلم و ستم اقویا و چیره‌دستان نیز در امان باشند، بیکدیگر راست بگویند، بهم اطمنان داشته باشند، ضعیف بر راستی از حمایت و پشتیبانی قوی برخوردار باشد، و قوی آزادی ضعیف را جدی بداند و باور کند.

گوشه‌ای از رفتار رهبران این مکتب

در صفین پشاهننگان لشکر معاویه بفرات رسیدند ، پیشدستی کرده فرات را محاصره کردند باین منظور که اجازه ندهند لشکر امام آب بردارند و در نتیجه از تشنگی هلاک شوند ، طولی نکشید معاویه نیز با سایر سربازانش رسیدند جریانرا بعرض اورسانده کسب تکلیف کردند ، عمر و عاص و زبیر مشا و معاویه گفت : اینکار صلاح نیست ، زیرا برای علی پس گرفتن آب از لشکر ما کار دشواری نیست ، و در این صورت اگر آنها بخواهند مقابله بمثل کنند و آب را بروی ما ببندند چه خواهیم کرد ؟ و کدام نیرو است که بتواند آنرا از علی (ع) پس بگیرد ؟

معاویه گفت اشتباه میکنی ، اگر ما توانستیم محاصره را حفظ کنیم دشمن را بدون زحمت خونریزی از پا در آورده ایم و اگر هم نتوانیم باز مطمئن باش علی آبرو بروی کسی نمی بندد ! ، همین کار را هم کردند ولی نتوانستند محاصره را حفظ کنند ، قشون امام با شجاعت بی نظیری در یک حمله کوتاه فرات را از تصرف دشمن در آورد ، بعضی از لشکریان بامام پیشنهاد نمودند عمل ناجوانمردانه معاویه را تلافی کند ، امام فرمود : نه ! من آبرو بروی کسی نمی بندم و بعد دستور داد در میان دولشکر صدا بزنند آب آزاد است هر که میخواهد بردارد ، کسی ممانعت نخواهد کرد .

سیاست صریح و روشن

سهل بن حنیف انصاری فرماندار مدینه (برادر عثمان بن حنیف فرماندار بصره) بامام نوشت مردمی از اهل این شهر بشام میروند تا بمعاویه بپیوندند و از عطایای او بهره مند شوند با آنها چه کنم ؟ آیا از رفتنشان جلوگیری کنم ؟

امام (ع) در پاسخ نوشت : غم مخور ! و از رفتن آنها متأثر مباش ! بگذار بروند ، آنها میخواهند اموال مردم را حیف و میل کنند ، فهمیده اند در حکومت ما ممکن نیست ، بسوی معاویه میروند آری آنها خوب فهمیده اند که مردم همگی از نظر حق از ما یکسانند آنها میروند آنجا که تبعیض حکومت میکنند . بروند ؛ دور شوند ؛ نابود شوند مردمی که عدالت را نمی پسندند تو هم آسوده باش ! بخدا سوگند اینان از ظلم و ستم فرار نکردند و بعدل و داد پناه نبردند !.

در این مکتب همگان یکسانند

برادرش عقیل از آنحضرت خواست که از بیت المال سهم بیشتری باو بدهد . امام فرمود نه ! مال شخص من نیست که بتوانم بتو کمک بیشتری کنم . من می توانم از سهم خودم مقداری بر عایت برادری بتو بگذارم ولی از بیت المال نه !
عرض کرد : سهم شما آنقدر نیست که مرا کافی باشد ، از اینهمه طلا و نقره که در بیت المال است بمن بدهید !

امام فرمود: آنها حق عموم مسلمانان است، و من نمیتوانم در اموال مردم بخاطر تو خیانت کنم، گفت پس اجازه بدهید بروم شام نزد معاویه، او بی باکانه می بخشد. و از بیت المال عطا یای فراوان میدهد.

امام فرمود: آزادی هر کجا که میخواهی بروی برو! من در اموال عمومی خیانت نمی کنم و عقیل رفت...!

یکی از رهبران همین مکتب - امام حسین - وقتی برای مبارزه با بنی امیه از مکه بسوی عراق میرفت برای اینکه کسی را بدون هدف با خود همراه نکرده باشد برخلاف اصلی که از کهن ترین ایام تاریخ تا کنون پیروی می شود که فرماندهان اسرار نظامی را بسر باز نمی گویند، در آخر سخنانی خویش علناً ب مردم ابلاغ کرد که: هر کس حاضر است خونش را در راه هدف ما بریزد با ما حرکت کند! او معتقد بود باید راست و صریح بود نخواست بسر بازانش وعده فتح و پیروزی بدهد و وقتی وارد مکه شد ندان روی اجبار و ناچار ی بجنگند چنانچه در دنیا ی دیروز و امروز معمول بوده هست، صریحاً اعلام کرد: میرویم و کشته می شویم ولی برای پیشرفت هدف این جان بازی و فداکاری ضروری است لذا هر کس حاضر است خون دل در راه هدف بریزد با ما حرکت کند.

با این اندازه هم اکتفا نکرد، شب عاشورا با زهم برای اینکه آزادی عمل بیشتری بسر بازان بدهد فرمود هر که میل ندارد در اردوی ما باشد از تاریکی شب استفاده نموده برود، کسی مجبور نیست با ما باشد.

در راه مکه ب عراق، مردی از کوفه می آمد از جریان کشته شدن مسلم نماینده مخصوص امام اطلاع داشت، میخواست این پیغام را بحضرت برساند، تقاضای ملاقات خصوصی کرد، امام حسین فرمود نه! من از اصحابم چیزی پوشیده ندارم، صاف بگو! او جریان کشته شدن مسلم را شرح داد.

مردم بر رهبران این مکتب اعتماد داشتند

امام صادق - یکی از رهبران این مکتب - خدمتگزار ی را دنبال کاری فرستاد، خدمتگزار خسته بود بدون اینکه فرمان امام را انجام دهد گوشه ای دراز کشیده خوابید، چون آمدن او بطول انجامید، امام شخصاً دنبال او رفت و دراد گوشه ای خفته یافت، بالای سرش نشست، او از گرمای عرق کرده بود، امام ویرا بادزد تا از خواب بیدار شد، حضرت فرمود: چرا دنبال انجام کار رفتی؟ او گفت خسته بودم و اطمینان داشتم شما را اذیت نخواهید کرد، امام فرمود نه! خوب نمی کنید شما شب را با استراحت بپردازید و روز را بکارها برسید، سپس دست بسوی آسمان دراز کرد و فرمود خدایا شکر که خدمتگزاران ما فهمیده اند ما مستمکار نیستیم! لذا با کمال اطمینان بخواب میروند.

حتی به يك مورستم نمی کنم!

امام، سیاستمدار بزرگ، میفرماید: بخدا سوگند اگر هفت اقلیم را با تمام ثروتشان

بمن بدهند که درباره موری ستم کنم و دانه‌ای را از دهان او بگیرم هرگز این معامله را انجام نخواهم داد .

آری امام عقیده داشت ظلم و ستم حتی بمورچه‌ای غلط و نارواست ، بار کج بمنزل نمیرسد ، این بود که در عمرش پیرامون ستم نگشت و حاضر نشد ستمگر . را بر مردم مساط کند و وقتی پیرزنی از مردم کشورش برای شکایت از یکی از مأمورین بحضورش رسید ، او که آماده نماز خواندن بود روز قبله گرداند و وقتی جریانرا از وی شنید اشک در دیدگان مبارک گردانید و رو بآدمان کرد و گفت خدایا تو میدانی که من چه اندازه با آنها سفارش می‌کنم که بعدل و انصاف با مردم رفتار کنند ، و سپس عزل او را پس از اطمینان بصدق گفتار آن زن طی يك نامه سرگشاده نگاهت و توسط همان زن برای وی فرستاد .

چرا امام با معاویه مبارزه کرد ؟

این بود گوشه مختصری از گفتار و رفتار رهبران مکتب سیاسی اسلام ، با تقدیم این مقدمه گمان می‌کنیم تا اندازه ای روشن شد که چرا امام حاضر نبود با معاویه سازش کند اینک توضیح مطلب :

تردیدى نیست که سازش با معاویه که معنایش برسمیت شناختن حکومت او بود ، مستلزم صحه گذاشتن بر تمام جنایاتی بود که معاویه در این مدت انجام میداد ، چه او حاضر نبود از طریقه خود عدول کند ، چنانچه موقعی که با امام حسن صلح کرد با آن قرار داد مؤکد معذک و قتی خود را پیروزید گفت تمام مواد قرارداد را زیر پامی گذارم و بمردم هم گفت من باشما نجنگیدم که ناز بخوانید یا روزه بگیرید بلکه با شما مبارزه کردم که بر شما حکومت کنم ! قطعاً اگر امام میخواست با او سازش کند لااقل برای مدتی می‌بایست جنایتهای ا را تحمل کند ، و ظلمها و ستمها و بی‌عدالتیهای ویراننده بگیرد ، و این کار از نظر مکتبی که امام در آن تربیت شده ظلم و گناه محسوب می‌شد ، سازشگر بخاطر اینکه پیشوا و رهبر اجتماع بود- با توجه باینکه هر اندازه شخصیت بزرگتر باشد اغزش او نیز بزرگتر بشمار میرود- گناهش سنگین تر می‌شد .

با این سازش امام دوستان و طرفداران مکتبش را از دست میداد زیرا او یکمرب با انحرافات و ستمگریها مبارزه کرده بود ، از حکومت پیشین (عثمان) بخاطر انحرافش از حق و عدالت و بکار گماردن فرماندارانی نظیر معاویه انتقاد میکرد ، همین مبارزات و انتقادات موجب شده بود مردمی با ایمان و پاکباز گردا و جمع شوند ، و پس از کشته شدن عثمان که سیماستمداران اسلام باروی کار آمدن وی موافق نبودند ، باقیام و نهضتی دلیرانه راه را برای خلافت و زمامداری حضرتش صاف کردند .

بدون تردید اگر در آغاز کار امام میخواست با معاویه سازش کند ، سروصدای نهضت- کنندگان بلند می‌شد ، مخالفین با نهمین سازش را پیراهن عثمان میکردند . می‌گفتند چه شد ؟ کشتیبان راسیاستی دگر آمد تا وقتی خود بخلافت نرسیده بود ، بکار گماردن معاویه ها را جرمی

نابخشودنی می دانست ولی امروز که زمام امور را در دست گرفته باوی کنار آمده ، از همه بالاتر مکتب امام الی الابد بدنام می شد ، می گفتند این همان سیاست بی پدر و مادر است که بادشمن دیروزی طرح دوستی می یزد ، و نالایق را لایق می شمرد و بر مال و جان و ناموس مسلمانها مسلط می سارد برای اینکه بیشتر حکومت کند ، گذشته از اینکه صحنه گذاشتن بر اعمال تنگین او همانطور که گفتیم در مکتب او ظلم و گناه بود .

آیا سازش عملی بود؟

فرض کنیم امام نعوذ بالله حاضر بود مرتکب اینهمه گناه و اشتباه شود یا اینکه بگوئیم هدف وسیله را مشروع می کند و چون امام واقماً میخواست با اجتماع خدمت کند و بنیان ظلم و ستم را بر کند در منطبق عقل مانعی نداشت چند روزی هم گناه مسلط کردن معاویه را بر خویش تن هموار سازد آیا این سازش عملی بود؟ در پاسخ این سؤال باتأکید این مطلب که بهیچوجه عقل تجویز نمی کند یک مکتب بزرگ بصراف احتمال انجام خدمتی بدنام شود باید بگوئیم ، سازش امکان نداشت ، زیرا :

معاویه مرد فربکار و هوشمند عرب است ، مغیره و ابن عباس با همه زیرکی بگرداو نمیرسند ، چگونه مغیره میفهمد که صلاح امام در این است که با معاویه سازش موقتی کند ولی معاویه با آنهمه تیز هوشی قضایا را درک نمی کرد ؟ قطعاً اگر امام با معاویه روی خوشی نشان میداد معاویه می فهمید زیر کاسه نیم کاسه ای هست درش هم روانش بود میداند چه عکس العملی نشان میداد ؟ فوری بمردم شام می گفت : مشاهده می کنید که علی مراد پست خودم ابقاء کرده لذا اگر با او مخالفت کنم بخاطر رسیدن بمقام نیست ، زیرا مقام من از طرف علی تثبیت شده پس غرض شخصی ندارم ، بلکه مخالفت من هدفی است میگویم : علی باید قاتلین عثمان را خود مجازات کند و یا تحویل من دهد که مجازات کنم ، در اینصورت تکلیف امام چه بود ؟ هزاران نفر از مردم مصر و عراق قیام کرده اند در میان آنها مردان بزرگی بوده اند که راستی از نابسامانها رنج می برده اند ، علیه خود سربهای حکومت وقت قیام کرده اند ، این قیام ، قیام یک نفر و دو نفر نبوده است بلکه قیامی بود ملی و عمومی ، از طرف اکثریت مظلوم برضد رئیس حکومتی که آلات دست اقلیتی ستمگر واقع شده بود .

حال در جواب معاویه امام چه کند ؟ و چه بگوید ؟ معاویه طالب حرف حق نیست ، او میگوید علی لا اقل بقتل عثمان راضی بود و گر نه قاتلان او را قصاص کند ، امام میفرماید بخدا من در ریختن خون عثمان کوچکترین دخالتی نداشته ام ولی نمیتوانم هم هزاران نفر را با اتهام قتل عثمان محاکمه و اعدام نمایم ، باز معاویه میگوید : دیدید می گفتم علی بقتل عثمان راضی بود ؟ در اینصورت یا امام می باید راضی شود خون صدها نفر بی گناه با اتهام شرکت در قتل عثمان ریخته شود و یا با معاویه بمبارزه برخیزد ؛ بدون اینکه از سازش نتیجه ای گرفته باشد با این ترتیب آیا بهتر نبود که از همان اول این مبارزه را آغاز کند ؟